فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل‌وششم، تابستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۲

آگاهی شیعه از امامان خود

مصطفی صادقی کاشانی[۱]

چکیده

احادیث بسیاری در منابع حدیثی شیعه امامیه وجود دارد که در آنها نام کامل امامان از زبان پیامبر ﷺ معرفی شده‌است. این اخبار از قول صحابه و تابعان و خود امامان دوازده‌گانه به طور مستقیم یا از قول رسول خدا ﷺ نقل شده‌است. از سوی دیگر گزارش‌های تاریخی بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد نه تنها مسلمانان بلکه اغلب شیعیان از نام و نسب امامان خود آگاهی نداشته‌اند. این ناآگاهی در انشعاب فرق شیعی و ایجاد فرقه‌های منتسب به ائمه یا فرزندان ایشان بروز کرده و چنین القا می‌کند که اگر شیعیان از آن اخبار دوازده امام و نام و نسب کامل ایشان خبر داشتند، این رویدادها و انشعاب‌ها رخ نمی‌داد. پرسش اصلی این مقاله آن است که بی‌اطلاعی یا کم‌اطلاعی شیعیان از نام و نسب امامان خود به‌رغم وجود آن اخبار در منابع حدیثی مشهور امامیه، چگونه توجیه خواهد شد؟ مقاله پیش‌رو درصدد بررسی و حل این تعارض است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اولا تعداد روایات مشتمل بر نام کامل ائمه به اندازه‌ای نیست که در برخی کتاب‌ها شهرت یافته است و ثانیاً به نظر می‌رسد پس از دوره غیبت کبری که تعداد امامان برای شیعه روشن و قطعی شده، نقل‌های بعدی نیز به تناسب آن تکمیل شده‌است.

کلیدواژه‌ها: دوازده امام، شیعیان، اخبار نصّ، فرقه‌های شیعی.

۱. دانشیار گروه سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. Sadeqi48@isca.ac.ir
تاریخ دریافت: ۰۱/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۷/۰۷

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

Shīʿite awareness of their imams

Mostafa Sadeghi[1]

Abstract

There are many Ḥadīths in Imamiyeh Shīʿa Ḥadīth sources in which the full names of imams are introduced by the Prophet (PBUH). These have been directly narrated from the sayings of the Companions (ṣaḥāba), followers, and the twelve imams themselves or from the sayings of the Prophet (PBUH). On the other hand, many historical reports show that not only Muslims but also most Shīʿites were not aware of the names and lineage of their imams. This ignorance has manifested itself in the division of the Shīʿite sect and the creation of sects attributed to imams or their children and it implies that if the Shīʿites knew about the news of the twelve Imams and their complete names and lineage, these divisions would not have occurred. The main question of this article is how the ignorance or lack of knowledge of the Shīʿites about the name and lineage of their imams will be justified despite the existence of that news in the famous Ḥadīth sources of the Imamiyeh. This study seeks to investigate and resolve this conflict. Findings indicate that the number of Ḥadīths with imams' full names is not as much as it is known in some books and it seems that after the period of occultation, when the number of imams for Shīʿa was determined the subsequent narrations were completed accordingly.

Keywords: Twelve imams, Shīʿa, Text on the imam (Nass), Shīʿite Cults.

1. Associate Professor, Department of Sira of Ahl-e-Bait, Islamic Sciences and culture academy, Qom, Iran. Sadeqi48@isca.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

درآمد

منابع حدیثی شیعه امامیه روایاتی درباره معرفی امامان نقل کرده‌اند که بخشی از آنها مشتمل بر نام و نسب کامل ائمه است و اسامی دوازده جانشین رسول‌خدا را از زبان ایشان و به نقل از صحابه یا تابعین بیان می‌کند. بیشترِ این اخبار را می‌توان در کتاب *کفایة الاثر* مشاهد کرد. بنا بر این احادیث، انتظار می‌رود شیعیان بلکه اغلب مسلمانان نام این جانشینان پیامبر ﷺ را شنیده باشند یا دست‌کم راویان فراوانی که در سلسله اسناد این روایات وجود دارند، از نام و نسب ائمه شیعه آگاهی داشته باشند. اما تاریخ اسلام و تشیع حاکی از آن است که بسیاری از این راویان به جانشینانِ معرفی شده از سوی پیامبر ﷺ معتقد نبودند یا شیعیانی که در عصر ائمه حضور داشتند، از این امامان اطلاع نداشتند. روایات نصّ بر ائمه نیز بیشتر بر جانشین امام بعدی تأکید دارد و سیره ایشان بر معرفی تمامی امامان بعدی خود نبوده‌است.

اکنون پرسش این است که تعارض میان آن روایات با این گزارش‌های تاریخی چگونه حل می‌شود؟ اگر آن همه روایت از سوی راویان موافق و مخالف مذهب امامیه، درباره نام دوازده امام رسیده و اطلاع از نام و نسَب جانشینان رسول‌خدا همگانی و رایج بوده‌است، چرا در تاریخ تشیع آن همه انشعاب یا حتی سرپیچی برخی فرزندان خود ائمه روی داده است؟ از مطالعه تاریخ اسلام معلوم می‌شود که حتی صحابه‌ای که نام آنان در منابعی چون *کفایة الاثر* آمده و روایات نام دوازده امام را از رسول‌خدا نقل کرده‌اند، خود به این اخبار عمل نکرده و به این امامان معتقد نبوده‌اند.

این نوشتار پس از مروری بر اخبار معرفی تعداد دوازده امام و منابع و اسناد آنها، به بررسی روایاتی که نام کامل ایشان را بیان کرده و آنگاه اوضاع شیعیان از نظر انشعاب و چگونگی معرفی هر امام در عصر حضور می‌پردازد و در پایان احتمال می‌دهد که موضوع نسخه‌ها و کاتبان علت اصلی این تعارض بوده‌است.

پیشینه پژوهش

درباره مسئله مدّ نظر این نوشتار، مقاله‌ای از روح‌الله کاظمی (۱۳۹۳ش) وجود دارد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

که برگرفته از پایان‌نامه وی در مرکز تخصصی امامت حوزه علمیه قم است. این مقاله با عنوان «تحیّر شیعیان در شناخت امام و نقش تقیه در آن»، همانگونه که از نامش پیداست درصدد حلّ مسئله با موضوع تقیه است. نوشتار حاضر تا حدود زیادی با نویسنده آن مقاله همراه است که بخش عمده بی‌اطلاعی شیعیان از ائمه را به دلیل فضای اختناق و تقیه می‌داند. این مقاله همچنین درصدد پاسخ به ادعای جعل روایات ۱۲ امام است. این ادعا از سوی افرادی چون کلبرگ (۱۳۷٤ش) در مقاله «از امامیه تا اثناعشریه» و فیصل نور (۱٤۲۵ق) در کتاب *الامامه و النص* به صورت تلویحی یا مصرّح طرح شده‌است. از این‌رو الویری (۱۳۷٤ش) در مقاله «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری» و رسالتی و رضا نژاد (۱۳۹٤ش) در مقاله «نقدی بر شبهات فیصل نور درباره نصوص امامت امام هادی(ع)» به بخشی از مطالب آن دو پاسخ داده‌اند. در مجموع بحث از نص بر ائمه چه نص کلی و چه معرفی اعیان ایشان، به دلیل اهمیتی که دارد، در آثار متعددی قابل پیگیری است؛ اما اغلب آن نوشته‌ها با رویکرد کلامی و حدیثی تدوین شده و نوشته پیش‌رو تلاش می‌کند با بررسی سیر تطور بحث و رویکردی تاریخی به موضوع بپردازد.

مبنای این نوشتار و به عبارتی پیش‌فرض آن، وجود روایاتی است که منابع حدیثی شیعه و سنی درباره اصل دوازده جانشین رسول خدا ذکر کرده‌اند (نک. زینلی، سراسر کتاب). همچنین اصل وجود روایاتی درباره تعیین و معرفی اعیان ائمه قابل انکار نیست (ادامه نوشتار). سخن در آگاهی عموم شیعیان بلکه مسلمانان از این نام‌ها و برخی روایاتی است که مخالفان مذهب شیعه نقل کرده‌اند و چنین نشان می‌دهد که مسئله در میان مسلمانان شهرت داشته است. از این‌رو تصور می‌شود اعتقاد و اطلاع از نام تک‌تک دوازده امام از ابتدا و قبل از رسیدن به دوره هر امام جزو اصول کلامی شیعه است؛ در حالی که «شواهد به روشنی بیانگر آن است که در عصر حضور، بر امامی مذهبان، اعتقاد به امام وقت و امامان پیشین لازم بود و شناخت امام یا امامان بعدی و اینکه آنان دوازده تن‌اند ضرورتی نداشت» (منتظری مقدم، ۸۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

تعداد ۱۲ امام

در آغاز بحث لازم است به بررسی اجمالی روایات تعداد دوازده امام پرداخته شود چون این بحث پایه و مبنای مطالب بعدی است. منابع سنی و شیعه از رسول‌خدا نقل کرده‌اند که فرمود: پس از من دوازده جانشین وجود خواهد داشت که همه از قریش خواهند بود. این حدیث که به اثناعشر شهرت دارد، نزد فریقین پذیرفته شده و در منابع مختلف حدیثی و تاریخی آنان آمده است. قدیم‌ترین کسی که این حدیث را ثبت کرده و کتاب او در دست است، ابوداوود طیالسی (متوفای۲۰٤) است که از جابر بن سمره چنین نقل می‌کند: پیامبر ﷺ در خطبه‌ای فرمود، اسلام تا زمان دوازده جانشین (من) عزیز خواهد بود. سپس کلمه‌ای فرمود که متوجه نشدم. از پدرم پرسیدم که رسول‌الله چه گفت، پدرم این را افزود که: کلُّهُم مِن قریش (طیالسی، ٤١٥/١). بخاری (متوفای۲٥٦؛ ١٢٧/٨) نیز این حدیث را نقل کرده است.

قدیم‌ترین مصدر شیعی که شمار ائمه را بیان می‌کند، کتاب سلیم بن قیس (هلالی، ٦٢٧/٢، ٦٨٦) و پس از آن *بصائر الدرجات* (متوفای۲۹۰) است که تعبیر ۱۲ محدَّث دارد (صفار، ۳۱۹–۳۲۰). کلینی (متوفای۳۲۹؛ ٥٢٦/١ به بعد) هم بیست روایت در باب ما جاء فی الاثنی عشر از کتاب *کافی* ذکر می‌کند.در *کفایه الاثر* نوشته خزّاز (قرن ٤) ده‌ها روایت در این باره آمده و در دوره‌های بعدی، بَحرانی (متوفای۱۱۰۷) در کتاب *الانصاف* این احادیث را جمع‌آوری کرده و به ۳٦۰ رسانده است.

احادیث نام ائمه

احادیثی که نام ائمه در آن آمده، چند دسته است. در برخی از آنها فقط نام علی علیه‌السلام و دو فرزندنش، در برخی فقط نام امام حسین علیه‌السلام و اشاره به ۹ نفر از نسل او بدون ذکر نام آنان، دسته سوم روایاتی که نام چند نفر از امامان را برده و در دسته چهارم نام کامل دوازده امام ذکر شده‌است.

بیشترین روایات از دسته دوم است که با یاد کردن از سومین امام به تعداد نُه نفر از نسل او (بدون ذکر نام) اشاره می‌کند، در پایان از مهدی نام می‌برد و او را نهمین نفر از نسل امام سوم می‌داند. از جمله در کتاب سلیم دو روایت از رسول‌خدا نقل شده که از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

اهل بیت من ۱۲ امامِ هـدایت هسـتند: علـی و حسـنین و نُـه نفـر از نسـل حسـین علیه‌السلام (هلالی، ٦٨٦/٢، ٩٠٧). از عبدالله بن عباس نقل شده که رسول‌خدا فرمود: خداونـد مـن و علی و دو فرزندش را حجت‌هایی بر بندگان قرار داده و از صلب حسین علیه‌السلام امامـانی قرار داده که نهمین آنان قائم است (صدوق، *کمال الدین*، ٢٥٧/١). خزّاز اخبـار بسـیاری از صحابه مانند ابن‌مسعود، ابوسعید خُدری و زید بن ثابت نقـل کـرده کـه رسـول‌خـدا فرمود: پیشوایان پس از من دوازده نفر از نسل حسین علیه‌السلام خواهنـد بـود و نهمـین آنهـا قائم است. این مضمون در بیش از ۳۰ حدیث نبوی به نقل از صحابه در این کتاب آمده است (برای نمونه نک. خزاز، ١٣٨، ١٤٠، ١٤٦، ١٦٠، ١٦٤، ١٩٠، ٣٢٧).

نمونه دسته سوم روایت ابوخالد کابلی است که از امام سجاد علیه‌السلام درباره ائمه پرسـید. آن حضرت تا پدرش را نام برد و فرمود پس از آن امامت به من رسیده و دیگـر چیـزی نگفت. ابوخالد گفت از امیرمؤمنان روایت شده که زمین از حجت خالی نیست. حجـت پس از شما کیست؟ فرمود فرزندم محمد و سـپس فرزنـدش جعفـر. در ادامـه روایـت سخن از وجه تسمیه صادق و داستان جعفر کذاب و غیبت امام دوازدهم پـیش آمـده و نام ائمه بعدی برده نشده‌است (صدوق، *کمال الـدین*، ٣١٩/١). همچنـین یکـی از یـاران امام صادق علیه‌السلام گوید او در عرفه با صدای بلند گفت رسول‌خـدا امـام بـود و پـس از او علی و حسنین و علی بن الحسین و محمد بن علی است و آنگاه بـه خـود اشـاره کـرد (کلینی، ٤٦٦/٤).

اخبار این دسته حتی از سوی محدثان اهل‌سنت مانند ابن‌سعد (٢٤٩/٥) نقل شده کـه به عمر بن علی بن الحسین علیه‌السلام گفتند: شما وجوب اطاعت را برای علی، حسنین، علـی بن الحسین و محمد بن علی علیهم‌السلام قائل هستید و معتقدید به آنها وصیت شده و کسی که آنها را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. یعنی غیر شیعیان نیـز از اعتقـاد آنـان دربـاره امامان خود تا امام حاضر اطلاع داشتند.

بحث اصلی این نوشتار، درباره روایات دسته چهارم است که نام کامل ائمه را در بـر می‌گیرد. آثار تدوین شده پس از غیبت کبرا نام دوازده امام را به فراوانی ذکر مـی‌کنـد و غالب این اخبار در کتاب *کفایه الاثر* آمـده اسـت. از حـدود یکصـد روایـت کـه ائمـه،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

جانشینان خود را معرفی کرده‌اند، نام دوازده امام در ۲۲ روایت آمده است. در کتاب‌هایی مانند *کافی*، اخبار مشتمل بر نام کامل ائمه بسیار کم است.

جستجو در کتاب *کفایه* و دیگر آثار حدیثی شیعه این نتیجه را به همراه دارد که حدود ۵۰ روایت نام کامل دوازده امام را ذکر کرده‌اند. مهم‌ترین این اخبار، حدیث لوح و حدیث معراج است. در حدیث لوح از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌شود که او لوحی را در دست حضرت زهرا علیها السلام دیده که نام دوازده امام در آن نوشته بوده‌است (کلینی، ۵۲۷/۱. صدوق، *عیون*، ٤٦/١). بنا به حدیث معراج که بیشترین اخبار دوازده امام را پوشش می‌دهد، رسول‌خدا وقتی به معراج رفت، نام دوازده امام را بر عرش خدا نوشته دید (خزاز، ۲۳۵، ۲۹٦، ۳۱٦). هر دو حدیث به عبارات گوناگونی نقل و ضبط شده‌اند.

سند و متن روایات نام دوازده امام

بسیاری از راویان اخبار مشتمل بر نام دوازده امام به‌خصوص آنچه از رسول‌خدا رسیده، عامی مذهب یا ناشناخته‌اند. هدف محدثان شیعه این بوده که بر اعتراف مخالفان مذهب در این موضوع که اهمیت بیشتری از بیان خودی‌ها دارد، تأکید کنند. در سلسله اسناد هر کدام از این روایات، راویان متعددی گاه تا ده نفر وجود دارند که چند نفر از آنها مربوط به دوره حضور هستند. نام شیعیان مشهوری چون ابن‌ابی‌عمیر، ابوبصیر، هشام بن سالم، معاویه بن وهب، فضل بن شاذان و ابوهاشم جعفری نیز در این روایات هست که از این میان، نام هشام بن سالم و ابوبصیر در روایات دیگری با مضمون عدم اطلاع از نام ائمه وجود دارد (مانند صفار، ۲۵۱، ۲۵۲؛ کلینی، ۲۷۷/۱، ۲۹۱، ۳۵۱).

اما از نظر متن، روایاتی که نام کامل ائمه را در بر می‌گیرد، بر چند گونه است: ۱- شماری از آنها فقط به نام چند علی و چند محمد و نام بقیه ائمه اشاره دارد و از نسب کامل آنها پرده بر نمی‌دارد (برای نمونه نک. خزاز، ۲۹٦). ۲ـ فقط نام امام بدون نام پدر و نسب او آمده است (خزاز، ٤۰۰). ۳- نام هر امام و نام پدرش آمده و توضیح دیگری ندارد. ٤ـ نام و نسب هر امام به طور کامل آمده است. ۵ـ افزون‌بر نام و نسب کامل،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

القاب و اوصافی برای هر امام ذکر شده‌است.

بیشتر اخبار مشتمل بر نام، مرکب از دو قسمت است. در قسمت نخست اصل دوازده نفر بودن ائمه از رسول‌خدا نقل می‌شود و در ادامه برخی از آنها فقط به امیرمؤمنان و حسنین اشاره می‌شود. اما در قسمت دوم با پرسش راوی یا صحابی یا شخصی که حاضر بوده، ادامه نام ائمه ذکر می‌شود.

برخی مطالب این احادیث قابل تأمل و بررسی است زیرا با معارف امامیه هماهنگی ندارد. مثلاً در حدیثی آمده است که اینها دوازده امامند و پس از آنها دوازده مهدی می‌آیند. وقتی اولین مهدی از دنیا می‌رود امامت را به فرزندش تسلیم می‌کند که سه نام دارد همانند نام من و پدرم: عبدالله و احمد و نام سوم مهدی است (طوسی، *الغیبه*، ۱۵۰). یا حدیث مشهور خضر محل بحث میان محدثان و محققان است. کراجکی آن را مشهور میان شیعه و صحت آن را اجماعی می‌داند چنانکه می‌گوید خبر لوح نزد شیعه امامیه اجماعی است و اختلافی در آن ندارند (کراجکی، ۳۱).

در یک نقل از حدیث مشهور لوح، امام باقر علیه‌السلام از جابر بن عبدالله می‌خواهد نسخه حدیث لوح را پیش آن حضرت بیاورد تا امام نسخه خود را با آن مقابله کند. در روایت دوم امام باقر علیه‌السلام هنگام وفات، فرزندش را می‌خواهد تا امامت را به او بسپارد. اما برادرش زید درخواست امامت می‌کند. امام، جابر را می‌خواند تا حدیث لوح و دوازده امام را برای زید شرح دهد (صدوق، *کمال الدین*، ۳۰۵/۱). در این روایت نام مادران ائمه هم به تفصیل ذکر شده‌است.

مقایسه منابع روایی با متون تاریخ

از منابع روایی به‌خصوص کتاب *کفایه الاثر* و احادیث نام دوازده امام برمی‌آید که نه تنها شیعیان که بسیاری از مسلمانان نام و نسب دوازده امام را می‌دانسته‌اند و راویانی با گرایش‌های مختلف از آن خبر داده‌اند. این راویان که در سلسله سند قرار داشته و در کنار ائمه بوده‌اند، باید نخستین افرادی باشند که از نام آنان آگاهی داشته‌اند. از سوی دیگر در اخبار مربوط به نص بر ائمه، حتی یاران نزدیک درباره امام بعدی از ایشان

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

سؤال می‌کنند و انشعاب‌ها و اختلاف‌ها درباره امامت پس از هر امام نشان می‌دهد که گویای تعارض این اخبار با روایات تاریخی است. با شمارش راویان احادیثی که نام ۱۲ امام در آن آمده، به نام بیش از یکصد راوی برخورد می‌کنیم که در سلسله اسناد آنها قرار دارند. آن راویان حتما از نام کامل ائمه خبر داشته‌اند و بیشترینِ آنها شیعیان هستند. پس با وجود چنین شماری از اصحاب و راویان ائمه که از نام آنان آگاه بوده‌اند، چرا این مطلب در میان شیعه مشهور نبود؟

اگر چه اصل وجود دوازده جانشین برای رسول‌خدا نزد مسلمانان مفهوم بوده و حدیث آن مورد اتفاق است، اما شیعیانِ معتقد به ائمه و امامتِ ایشان در عصر حضور از تک تک نام آنان آگاه نبودند. شواهد و قراین بسیاری برای این بی‌اطلاعی وجود دارد که در ادامه می‌آید:

نخست، روایات نص بر امام بعدی

بخشی از روایات ابواب نص کتاب *کافی* و کتاب‌های تاریخ ائمه به پرسش و پاسخ درباره جانشین هر امام اختصاص دارد. البته اخبار تعیین جانشین، مربوط به امام کاظم علیه‌السلام و ائمه بعدی است. مثلاً منصور بن حازم از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد اگر اتفاقی برای شما بیفتد به چه کسی مراجعه کنیم؟ آن حضرت بر شانه فرزندش موسی زده و می‌فرماید: این صاحب شماست (کلینی، ۳۰۹/۱) شبیه این سؤال از امام هشتم شد و آن حضرت فرزندش ابوجعفر را معرفی کرد (همان، ۳۲۲/۱).

از روایات بسیاری استفاده می‌شود که ائمه برای معرفی خود یا جانشین خود با مشکلاتی روبه‌رو بوده و تمایلی به معرفی خود یا جانشینان خود به عنوان امام نداشته‌اند. فیض بن مختار در گفتگویی با امام صادق علیه‌السلام از ذهنیت شیعیان درباره جانشینی اسماعیل گفت و آنگاه که متوجه شد او امام بعدی نیست، پرسید اگر اتفاقی بیفتد چه کنیم؟ امام ابتدا طفره رفت و سپس به اصرار فیض، فرزندش ابوالحسن را معرفی کرد (طوسی، *اختیار معرفه الرجال*، ۳۵٤).

پرسش از ائمه به شکل‌های دیگری هم بود مانند اینکه درباره راه‌های شناخت امام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

سؤال می‌کردند یا می‌پرسیدند آیا امامت در عمو و دایی هم امکان دارد؟ یا فرزندان عباس یا فرزندان جعفر هم در این موضوع سهمی دارند؟ (کلینی، ۲۸٤/۱ به بعد) این پرسش‌ها نشانگر آن است که نام کامل ائمه برای شیعیان روشن نبود. وقتی ابن‌ابی‌یعفور عقاید خود را به امام صادق علیه‌السلام عرضه کرد و گفت تو امام زمانِ من هستی، امام به او فرمود نام مرا برای کسی فاش نکن (عیاشی، ۳۲۷/۱).

هشام بن سالم از امام کاظم علیه‌السلام پرسید جانشین پدرت کیست؟ آن حضرت فرمود اگر خدا بخواهد شما را هدایت خواهد کرد. بار دیگر پرسید آیا شما امام ما هستید؟ باز هم امام پاسخ روشنی به او نداد و هشام از راه‌های دیگری به امامت آن حضرت پی برد. امام از او خواست این مطلب را افشا نکند زیرا موجب قتل آنان خواهد شد (کلینی، ۳۵۲/۱، مفید، ۲۲۱/۲). بر همین اساس، صدوق (*کمال الدین*، ۷۵/۱) گفته است که زراره در کوفه از امامت موسی بن جعفر علیه‌السلام اطلاع داشت و فرزندش را به مدینه فرستاد تا از آن حضرت بپرسد آیا اجازه دارد امامتش را اعلام کند یا باید تقیه نماید.

بخشی از اخبار نصّ بر ائمه با اشاره و کنایه امام قبلی و بدون نام بردن از جانشین خود است. صفوان جمال از امام ششم درباره امام بعدی پرسید. فرمود او اهل لهو و لعب نیست. سپس فرزندش موسی که کودک بود وارد شد. امام او را بغل کرد و فرمود جانم به فدای کسی که اهل لهو و لعب نیست (کلینی، ۳۱۱/۱).

یکی از روش‌های شیعیان معتقد به اهل‌بیت عرضه عقاید خود به امام زمان بود. او یکایک امامان و جانشینان رسول‌خدا را تا امام حاضر نام می‌برد و توقف می‌کرد. خبر مشهور در این باره مربوط به عبدالعظیم حسنی است که تا نهمین امام را نام برد و به امام هادی علیه‌السلام گفت پس از آنها تو هستی (خزاز، ٥٨٦). پیش از آن نیز این موارد اتفاق افتاده و مثلاً در زمان امام باقر علیه‌السلام، اسماعیل بن جابر به آن حضرت گفت علی علیه‌السلام، امام مفترض الطاعه است. آنگاه از سه امام بعدی نام برد و گفت اکنون امر به شما رسیده است. امام او را دعا کرد و فرمود دین خدا و ملائک همین است (کلینی، ۱۸۸/۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

دوم، انشعاب‌ها در شیعه

این مطلب از مسلمات تاریخی است که شیعیان در دوره‌های مختلف به انشعاب‌هایی دچار شدند و از این رو فرقه‌هایی به نام تشیع و پیروی از امامان یا فرزندان ایشان در کتاب‌های ملل و نحل ثبت شده‌است. این انشعابات نشان می‌دهد یاران ائمه از نام و مشخصات دوازده امام خبر نداشتند که پیوسته بعد از هر امام به این سو و آن سو گرائیدند. البته بخشی از این انشعاب‌ها ساخته افراد سودجو یا حکومت‌های وقت بود اما بخش قابل توجهی از آنها به دلیل نشناختن ائمه به وجود آمد.

ادعاها درباره محمد حنفیه پس از واقعه عاشورا نخستین انشعاب است (نوبختی، ۲۳، ۲٦؛ اشعری، ۲۱، ۲۵–۲۷). این اختلاف‌ها درباره جانشین امام صادق علیه‌السلام به اوج خود رسید و شیعیان شش گروه شدند (نوبختی، ٦٦–۷۸؛ مفید و مرتضی، ۳۰۵). انشعاب مهم پس از امام کاظم علیه‌السلام ایجاد فرقه واقفه بود و اختلاف پس از امام هشتم ادامه یافت (اشعری، ٦۳–٦٤؛ نوبختی، ۸۵). ادعاهایی درباره محمد و جعفر فرزندان امام هادی علیه‌السلام نیز در منابع وجود دارد (مفید و مرتضی، ۳۱۷). انشعاب پس از امام یازدهم تا ١٤ گروه ذکر شده‌است (نوبختی، ۹٦؛ مفید و مرتضی، ۳۱۸).

تردیدی نیست که بسیاری از این ادعاها از سوی فرزندان ائمه نبود ولی این تردید هست که گویا همه این فرزندان از نصوص امامت و تعداد امامان آگاه نبوده باشند. برخی معتقدند آنان اطلاع داشتند ولی منحرف شدند (سجادی‌طلب، سراسر مقاله).

شاهد دیگر سکوت عالمان از استدلال بر روایات نصّ بر نام است. متکلمان امامیه در ردّ فرقه‌های منحرف شیعی به مشخص بودن نام ائمه و روایات نص اشاره‌ای ندارند. مثلا شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* درباره باطل بودن فرقه‌های کیسانیه، ناووسیه، واقفه و محمدیه (معتقدان به محمد فرزند امام دهم) بحث کرده و دلایلی بر نادرستیِ سخن آنان آورده اما به روایاتی که مشتمل بر نام ۱۲ امام باشد، استناد نمی‌کند. سید مرتضی از قول استادش شیخ مفید در *فصول المختاره* همین راه را رفته و به تفصیل در ردّ کیسانیه، ناووسیه، اسماعیلیه، فطحیه و دیگر فرقه‌ها سخن گفته اما روایات نام ۱۲ امام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

را ذکر نکرده است (مفید و مرتضی، ۲۹۶-۳۱۶).

بخشی از انشعاب‌های شیعی به دلیل ادعاهای امامت افرادی از خاندان اهل‌بیت یا ادعاهای دیگران درباره ایشان است. مهدی دانستن برخی ائمه یا پرسش از آنان درباره اینکه آیا شما مهدی و قائم هستید (کلینی، ۳٤۱/۱؛ نعمانی، ۲۱۵؛ طبرسی، ۲۳۹/۲)؛ همچنین دوره حیرت و بی‌اطلاعی شیعیان امامیه از آخرین امام خود، نشانگر آن است که آنان نام دوازده امام را نمی‌دانستند.

عامل تعارض

بنا به آنچه گفته شد ده‌ها روایت در کتاب *کفایة الاثر* و دیگر منابع حدیثی وجود دارد که نام کامل دوازده امام را از زبان رسول‌خدا یا یکی از امامان ذکر می‌کند. اما این مطلب در تاریخ تشیع و ائمه نمودی نیافته و طبق روایات نصوص ائمه، ایشان به ندرت از جانشینان پیامبر ﷺ یا خودشان نام برده‌اند. با توجه به اوضاع و شرایط زمان و محدویت‌های سیاسی و امنیتی، امامان فقط نام امام بعدی را ذکر کرده و اینگونه یاران و شیعیان خود را هدایت کرده‌اند.

علت این تعارض می‌تواند سرّی بودن نام ائمه در میان خود ایشان باشد (کاظمی، ۱۳۰). آنها بنا نداشتند این راز پنهان را برای همگان بر ملا کنند. نقدی که ممکن است بر این مطلب وارد شود آن است که اگر سرّی در کار بوده، برای همگان بوده در حالی که گاهی نزدیک‌ترین یاران ائمه از جانشین ایشان خبر نداشتند؛ اما از طرفی آن همه راویان ناشناخته و حتی گاه مخالفان و دشمنان اهل‌بیت، روایات مشتمل بر نام ۱۲ امام را نقل کردند؟

از علل دیگر این تعارض ممکن است جعل و تحریف اخبار از یک سو و حذف و سانسور از سوی دیگر باشد. اختلافات فرقه‌ای میان مسلمانان سبب شد در طول تاریخ بخشی از روایات از سوی محدثان دستخوش تحریف یا حذف شود. مثلا ابن‌ابی‌الحدید (٦٨/٤-٦٩) درباره امیرمؤمنان عبارت «اللّهم والِ مَن والاهُ و عادِ منْ عاداه» را از ابوهریره از رسول‌خدا نقل می‌کند و می‌گوید این مطلب ذیل شرح‌حال ابوهریره از کتاب *المعارف*

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

ابن‌قتیبه آمده است. اما در چاپ‌های فعلی این کتاب نیست (نک. ابن‌قتیبه، ۲۷۷). امینی (۴۰۸/۱) هم این مطلب را در چاپ کتاب *المعارف* در زمان خود نیافته و می‌گوید دست تحریف آن را حذف کرده است. نمونه‌های دیگری از حذف درباره حوادث رخ داده برای حضرت زهرا علیها السلام از کتاب‌های گذشتگان قابل پیگیری است (نک. عاملی، ۳۱۲/۱). احادیث ۱۲ امام نیز ممکن است دچار چنین سرنوشتی شده باشد.

گاهی هم حذف به دلیل شرایط خاص شیعیان و تقیه سیاسی بوده و راویان شیعه نام ائمه را از روایات حذف کرده‌اند تا دشمنان از آن آگاه نشوند (قندهاری، ۱۱). گونه‌ای از این حذف با جایگزینی واژه «فلان» و دیگر تعابیر کنایی مانند «یکی پس از دیگری» یا «تا آخر» به جای نام ائمه است (قمی، ۱۲۸/۱؛ صدوق، *کمال الدین*، ۲۸۵/۱).

احتمال دیگری بر خلاف حذف و سانسور می‌توان تصور کرد و آن افزودن نام ائمه در دوره‌های بعدی است. زیرا دانش حدیث و تاریخ متکی و وابسته به منابعی است که از سده‌های نخست به دست ما رسیده است. در جمع‌آوری این منابع و تدوین احادیث و روایات تاریخی نه تنها راویان و محدثان بلکه کاتبان و نسخه‌پردازان نقش داشته و در ثبت و ضبط این آثار و انتقال آن به دوره‌های بعدی تلاش کرده‌اند. اما این موضوع گاه مشکلاتی را برای نسخ خطی به وجود آورده و دخالت‌ها و تصرفاتی را به همراه داشته که اغلب سهوی و از روی خطا بوده‌است. این تصرفات گاهی نیز عمدی و متأثر از انگیزه‌ها و عوامل ایدئولوژیک بوده که در یکی از شکل‌های چهارگانه تکمیل، تغییر، تلخیص و خلق اثر جدید قابل بررسی است (ایزدی و شجاعی، ۱۲۸). مثلاً نسخه خطی به شخص تعلق داشته و افزوده‌های توضیحی و تفسیری مالک بعدها از حاشیه به متن راه می‌یافت، یا در متن زیاده و نقصان یا تغییری از سوی مؤلف یا راوی یا ناسخ ایجاد می‌شد.

از اینها مهم‌تر، تصرفات ناشی از گرایش‌های فرقه‌ای و حبّ و بغض‌های مذهبی است که گونه‌ای از آن در قالب تغییر نام افراد یا حذف و تبدیل اوصاف بزرگان یک فرقه رخ داده است (هروی، ۲۴۵). مانند آنچه از سوی مخالفان شیعه در کتاب *مکارم الاخلاق* طبرسی ایجاد شده و نام صحابه را پس از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله افزوده‌اند

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

(نک. امین، ۲۲٤/۵، ۲۲۵). عامل دیگر این تصرفات راه یافته به متن، توضیحات راوی یا مؤلف است مانند افزوده‌ای بر حدیث فضیلت روز جمعه که مجلسی (۳۷۰/۵۵) احتمال داده از سوی راوی یا از شیخ صدوق است. چنانکه در مورد دیگری مجلسی احتمال داده، تصرفی از سوی آن محدث کهن با هدف تطبیق روایت با کلام شیعه روی داده است.

شیخ صدوق (*التوحید*، ۳۵٤) روایتی را از کلینی نقل کرده که در کتاب *کافی* با تفاوت و تغییراتی وجود دارد (کلینی، ۱۵۳/۱). مجلسی (۱۵٦/۵) پس از نقل روایت از کتاب صدوق می‌نویسد: این خبر از *کافی* گرفته شده ولی تغییرات شگفتی در آن هست که انسان را به شیخ صدوق بدگمان می‌کند چون او خواسته است روایت را بر مذهب اهل عدل [امامیه] مطابق گرداند. مصحح *بحار* در پاورقی این مسئله را توجیه کرده و علت را افتادگی یک سطر از روایت در نسخه مجلسی می‌داند. خوئی (۳٤۸/۱۷) ذیل شرح حال صدوق با اشاره به همراهی کاظمی (۲۱۳) و پس از او نوری (۱۷۰/۱۱) با مجلسی، به دفاع از صدوق برخاسته و می‌گوید: جلالت صدوق مانع چنین مطلبی است و حتما افتادگی یا امر دیگری از سوی راوی سبب چنین تغییری شده‌است. یکی از نویسندگان معاصر در خصوص نظر مرحوم خوئی معتقد است «اگر تنها همین یک حدیث بود، کلام ایشان احتمال صحت داشت؛ در حالی که وجود چندین نمونه برای آن، این احتمالات را نفی می‌کند». آنگاه سه نمونه را ذکر کرده و می‌نویسد: «نمونه‌های ذکر شده از حدّ نقلِ به معنا فراتر رفته و در واقع دخل و تصرف غیر مجاز در روایات است. اعتقاد به جبر عقیده باطلی بوده و ربطی به مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام ندارد، اما به معنای آن نیست که اگر از حدیثی جبر فهمیدیم، حدیث را تغییر داده و اصلاح نماییم» (عابدی، ٦۹، ۷۱).

بنابراین ممکن است تکمیل نام امامان در نسخه‌های متأخر نیز بر اساس ذهنیت‌های نسخه‌نویسان یا مؤلفان انجام شده باشد. شواهدی که می‌تواند این موضوع را نشان دهد در دو دسته متون روایی و دعایی قابل پیگیری است. یک نمونه روایتی است که از نامه سر به مهر درباره وظایف امامان سخن می‌گوید. در نقل کلینی از این حدیث به نام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

دوازده امام اشاره‌ای نیست، اما نعمانی (۵۲-۵۳) می‌گوید امام نام همه ائمه را شمرد: «عَدَّدَ عَلَی اثْنَی عَشر إسماً» و این افزوده در منابع دیگر وجود ندارد. سند هر دو کتاب یکی است.

نمونه دیگر، حدیث مشهور معراج است که خداوند برای پیامبرش، علی و فاطمه و حسنین علیهم‌السلام را وصف کرد. عبارت‌ها نشان می‌دهد اصل خبر مشتمل بر نام خمسه طیبه بوده و نام بقیه امامان تکمیل شده‌است. مثلاً در تفسیر فرات کوفی یک‌بار روایت بدون نام ائمه آمده (فرات بن ابراهیم، ۷۳) و بار دیگر عبارت «و الأَئِمَّة مِنْ وُلدِه» از سوی مصحح افزوده شده‌است. چنانکه شبیه این خبر در *مقتضب الأثر* یک بار با نام خمسه طیبه (ابن‌عیاش، ۱۱) و در روایت دیگر بعد از نام حسنین کلمه ائمه را اضافه دارد (همان، ٢٤). نمونه سوم حدیث خضر است که در برخی منابع نام دوازده امام آمده (کلینی، ٥٢٦/١؛ نعمانی، ۵۹؛ صدوق، *کمال الدین*، ٣١٥/١) اما منبع متقدم بر آنها فقط نام علی و حسنین علیهم‌السلام را دارد (برقی، ٣٣٣/٢).

موضوع افزودن نام ائمه در دعاهای پس از دوران غیبت پذیرفتنی‌تر است؛ زیرا شیعیان از حیرت بیرون آمده و پیشوایان خود را با انقطاع عدد دوازده شناختند. مثلاً از امام کاظم علیه‌السلام ذکر سجده شکر بعد از نماز چنین نقل شده: «اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُكَ انّ... مُحَمَّداً نَبِیی وَ عَلِیاً وَ فُلاناً وَ فُلاناً إِلَی آخِرِهِمْ أَئِمَّتِی بِهِمْ أَتَوَلَّی وَ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ» (کلینی، ٣٢٥/٣). در کتب بعدی به جای این کلمه مبهم، نام کامل امامان آمده است (صدوق، *من لا یحضره‌الفقیه*، ٣٢٩/١. طوسی، *مصباح*، ٢٣٩/١).

طوسی (*تهذیب*، ١١٠/٣) دعای افتتاح را چنین نقل کرده که پس از صلوات بر پیامبر و علی و فاطمه و حسنین علیهم‌السلام آمده است: «وَ صَلِّ عَلَی أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِینَ حُجَجِكَ عَلَی عِبَادِكَ وَ أُمَنَائِكَ فِی بِلادِكَ صَلاةً كَثِیرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَی وَلِی أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ». اما در *اقبال* ابن‌طاووس (١٤١/١) نام تمامی ائمه وجود دارد.

در خصوص دعای سر گرفتن قرآن نیز چند روایت وجود دارد که اصل آن مربوط به عصر امام صادق علیه‌السلام است و نام چهارده معصوم برده شده‌است (طوسی، *مصباح*، ٢٩٢؛ ابن‌طاووس، ٣٤٦/١). اما پیش‌تر اشاره شد و از روایات نصوص ائمه استفاده می‌شود که

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

سیره ایشان در نام بردن از امامان بعدی نبوده و اغلب یک امام پس از خود را معرفی می‌کردند. بنابراین اگر دعایی هم به شیعیان آموخته‌اند مشتمل بر نام پنج‌تن اهل‌بیت و حداکثر نام ائمه تا زمان خود ایشان بوده‌است.

نتیجه

احادیث اثناعشر یا دوازده جانشین برای پیامبر ﷺ مورد اتفاق فریقین است و انگیزه یا دلیلی برای جعل و تحریف در آن متصور نیست. اما در خصوص نام بردن از این جانشنیان، روایات بسیاری به امامان اول تا سوم تصریح کرده و دسته‌ای هم نام چند امام را ذکر می‌کند و امامی که از وی درباره جانشینش پرسش شده، به نام امام بعدی اشاره می‌کرده و از ذکر اسامی همه پیشوایان خودداری می‌کرده است. شمار روایاتی که نام کامل دوازده امام را نقل می‌کند، زیاد نیست و در برخی از آنها فقط به چند محمد و چند علی اشاره شده‌است. با توجه به این اخبار و شرایط و شواهد تاریخی بر عدم اطلاع غالب شیعیان از نام کامل ۱۲ امام، روایاتی که بیان کننده نام کامل ائمه است، باید توجیه شوند. بنابراین گزارش‌های تاریخی که عده‌ای از شیعیان از نام کامل امامان خود آگاهی نداشتند و گاه در حیرت و سرگردانی می‌افتادند، معارضی ندارد. روایات نص بر ائمه در منابع حدیثی نیز جزئی از این گزارش‌هاست که هر امام تأکید داشت پیشوای پس از خود را معرفی کند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

منابع

- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- ابن‌ابی‌الحدید، هبةاللّه، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵.
- ابن‌طاووس، علی، الاقبال بالاعمال الحسنه، تحقیق جواد قیومی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۴.
- ابن‌عیاش جوهری، احمد بن عبدالعزیز، مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم، طباطبائی، بی‌تا.
- ابن‌قتیبه، عبداللّه بن مسلم، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۲.
- اشعری، سعد بن عبداللّه، المقالات و الفرق، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ش.
- الویری، محسن، «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری»، دین و ارتباطات، ش۲، زمستان ۱۳۷۴.
- امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر، قم، مرکز الغدیر، ۱۴۱۶.
- ایزدی، مهدی و حسین شجاعی، «تأثیر انگیزه‌های نسخه‌نویسان در اِعمال تصرفات عامدانه در متون و آثار روایی»، علوم حدیث، ش۸، سال۲۲، پاییز ۱۳۹۶، ص۱۲۱-۱۴۵.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- برقی، احمد، المحاسن، تصحیح محدث ارموی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۰ش.
- خزاز، علی بن محمد، کتاب الکفایه فی النصوص علی عدد الائمه الاثنی عشر، تحقیق رضا الرفیعی، قم، مکتبه العلامه المجلسی، ۱۳۹۶ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم، نشر الثقافه، ۱۳۷۲ش.
- رسالتی، سعید و عزالدین رضا نژاد، «نقدی بر شبهات فیصل نور درباره نصوص امامت امام هادی(ع)»، پژوهش‌نامه امامیه، سال اول، ش۲، پاییز ۱۳۹۴.
- زینلی، غلامحسین، دوازده جانشین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- سجادی‌طلب، محمدرضا، «تحلیل انکار نصوص امامت از سوی برخی نزدیکان اهل‌بیت»، علوم حدیث، ش۷، سال۱۷، تابستان ۱۳۹۲، ص۹۹-۱۱۷.
- صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.
- _____، عیون اخبار الرضا(ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸.
- _____، کمال الدین، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵.
- _____، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، اِعلام الوری بأَعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۷.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]

- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ش.
- _____، الغیبه، تحقیق عبادلله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱.
- _____، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱.
- _____، تهذیب الأحکام، تحقیق خرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- طیالسی، ابوداود، مسند، تحقیق محمد حسن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵.
- عابدی، احمد، مکتب کلامی قم (شماره ۴ از مجموعه آثار کنکره حضرت معصومه)، قم، زائر، ۱۳۸۴.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، مأساه الزهراء، بیروت، دارالسیره، ۱۴۱۸.
- عیاشی، محمد، التفسیر، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۲۱.
- فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۰.
- فیصل نور، الامامه و النص، یمن، دارالصدیق، ۱۴۲۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح سید طبیب الموسوی الجزائری، قم، دارالکتب، ۱۳۶۷ش.
- قندهاری، محمد، «پرونده علمی بشارت به ائمه اثناعشر»، امامت‌پژوهی، سال سوم، ش۱۲، زمستان ۱۳۹۲، ص۹-۱۶.
- کاظمی، اسدالله التستری، کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع، قم، آل‌البیت، بی‌تا (چاپ سنگی).
- کاظمی، روح الله، «تحیّر شیعیان در شناخت امام و نقش تقیه در آن»، مجله امامت‌پژوهی، سال چهارم، ش۱۳، ۱۳۹۳، ص۱۱۵-۱۳۶.
- کراجکی، ابوالفتح، الاستنصار، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵.
- کلبرگ، اتان، «از امامیه تا اثنا عشریه»، ترجمه محسن الویری، دین و ارتباطات، ش۲، زمستان ۱۳۷۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۳.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان و علی بن الحسین مرتضی، الفصول المختاره، تحقیق سید علی میرشریفی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴.
- مفید، محمد، الارشاد، بیروت، تحقیق و نشر مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶.
- منتظری مقدم، حامد، «رهیافتی نو به تاریخ پیدایش تشیع اثناعشری: شکل‌گیری به‌هنگام»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال۱۶، ش۲، ۱۳۹۸، ص۸۳-۱۰۲.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، صدوق، ۱۳۹۷.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸.
- هروی، نجیب مایل، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۸۰ش.
- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، تحقیق زنجانی، قم، الهادی، ۱۴۰۵.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-09-11]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.46.5]